

ستاره سرخ

ستاره سرخ - شماره ۲۰ - سال سوم

فقط در سایه وحدت حزب کمونیست است که میتوان وحدت تمام طبقه و تمام ملت را تحقق بخشید، و فقط در سایه وحدت تمام طبقه و تمام ملت است که میتوان پیروزی بر دشمن را بدست آورد.

مائوسه دون

تیرماه ۱۳۵۱ برابر ژوئیه ۱۹۷۲

مبارزه‌های نوید بخش

در بهار امسال، دهقانان "ساروق" و "گردکان" از توابع اراک علیه تجاوز و اجحافات رژیم شاه دست به مبارزه حق طلبانه‌ای زدند.

دهقانان این دو ده که "اصلاحات ارضی" در آنها صورت گرفته است، بدنبال "ملی شدن آبها" مجبور به پرداخت آب بهائی مبلغ ۱۵۰ هزار تومان که خود نشان دهنده میزان استثمار دهقانان توسط رژیم است، میگرددند، ولی بدلیل فقرمندی قادر نمیشوند که سرمایه مقرر مبلغ مزبور را عرضه دارند. رژیم "دهقان خواه" و "نجات دهنده رعایا" در مقابل این مشکل آنان، با بستن آب عکس العمل بخرچنداد و میکوشد بهر قیمت آب بها را بگیرد.

دهقانان هنگامیکه خطر نابودی کامل محصولات خود را حس کردند، حاضر می‌شوند آب بها و حتی جریمه دیرکرد را به اقساط بپردازند، اما عوامل رژیم که قصد "تسویه حساب" و "زهرچشم گرفتن" دارند به تندی دست به فتنه‌پرداختن می‌زنند. این عمل تجاوزکارانه و ناپسندیده برای دهقانان به استناد مالکیت دهقانان را در آزادی به حکاری بعنوان گروگان بگیرند. این عمل تجاوزکارانه و ناپسندیده برای دهقانان غیر قابل تحمل شده و با مقاومت شدیدی آنها روبرو گردید و متحدی از زن و مرد جهت مقاومت و جلوگیری از انفصال ظلم و اجحاف عوامل رژیم و ناپسندیده آنها تشکیل داده می‌شود.

ژاندها و امهات بهریرمانه به صف متحد دهقانان حمله برده و نیروی آنان اسلحه می‌کشند، و در نتیجه دو دهقان زخمی شده و چند نفر دیگر مجروح میگردند.

دهقانان زخمی‌شده این جنایات دست به جدوجزوم شاه و ژاندها و امهات متجاوز و اراکی می‌کنند که با فاع از خود برمی‌خیزند و با بیل یکی از ژاندها را می‌کشدند.

اکنون ژاندها و امهات متجاوز و اراکی آزادند ولی یکی از دهقانان مبارزه در مقابل این تجاوز و فاع از خود و سایر زخمی‌شدگان ده برخاسته با فرزندانش در زمین‌های خود با کارد و بیل مبارزه می‌کند و دهقانان در توقیف دولت بوده و شدیدی دچار کم‌آبی است.

ژاندها و امهات را تا جاست فرستاده و ساروق و گردکان را تحت کنترل خود قرار داده‌اند.

این واقعه یک امر مفرد و تصادفی نیست، در سالهای بعد از "اصلاحات ارضی" بکرات در روستاهای ایران این گونه رخدادها روی داده است و مدت‌هاست با دهقانان ستم‌دیده بدینگونه عمل نموده است.

این واقعه که خود گوشه‌ای از مبارزات دهقانان ایران را نشان می‌دهد، حاکی از شرایط ناهنجار و طاقت فرسای روستائیان، رشد روحیه مقاومت جویانه آنها و وحدت یافتن تضاد در روستاهاست.

"اصلاحات ارضی" رژیم بهیچوجه نمی‌توانسته دهقانان را از بیوع استثمار اقتصادی و دستکاری اقتصادی، سرمایه داری بورژوازی و امپریالیسم رها سازد. و بطرف آن تضاد اساسی در روستاهای ایران کفایت سابق بیرونی مسئله زمین و آب است.

اکثریت عظیم دهقانان ایران هنوز فاقد زمین و یا کم زمین هستند. بعنوان مثال تنها ۴۰٪ دهقانان در جریان "اصلاحات ارضی" کوچکترین قطعه زمینی دریافت نکردند. دهقانانی نیز که زمین گرفته‌اند بطور متوسط فقط بین ۱/۵ تا ۲ هکتار زمین سالانه زیر کشت دارند (۲) و اغلب این زمینها نامرغوبند، چه دهات مرغوب را مالکین و یا سرمایه داران داخلی و خارجی تحت عناوین گوناگون از آنجمله مکانیزه کردن و ساختن خود گرفته‌اند.

با آب، زمین و ابزار سنگین دیگری است بزرگ‌دهی دهقانان زخمی‌شده. اگر این مسائل پائین بودن سطح تولید کشاورزی ایران و پائین رفتن سطح درآمدی دهقانان که یکی از ضایعات درآمد آنها بود است را اضافه کنیم آنوقت سیما روشنتری از وضع دهقانان ایران خواهیم داشت.

توسعه‌ی روز افزون نفوذ دستگاهها و امپریالیسم در کنترل روستا توسط آنها و اعمال ستم اقتصادی بسیار در سطوح مختلف، تضادهای نوینی را در روستاها بوجود آورده است. این شرایط اقتصادی و سیاسی در روستاهای ایران خود باعث تغییرات نوینی گشته و میگردد: از یک سو دهقانان کم‌زمین را بی زمین می‌سازد و آنها را همراه با بی زمین قبلی از روستا بیرون ریخته و به شهرها روانه می‌دارد تا به خیال

سی ام تیر

ضد فئودالی و ضد امپریالیستی وسعت و عمق گرفت. سی ام تیر ماه ۱۳۳۱ مبارزه مشترک نیروهای خلق بود طبقه کارگر، بورژوازی ملی و خرده بورژوازی و دیگر عناصر میهن پرست در این مبارزه و جنبش وسیعاً شرکت جستند و در سطح جنبه متحد فشرده‌ای را علیه دشمنان مشترک خود، بویژه علیه امپریالیسم انگلیس و نوکران داخلی او بوجود آوردند.

بظاهر بوجود آمدن حوادث سی ام تیرماه در درخواست صدق در کمپ اختیارات مجدد و بدست گرفتن پست وزارت جنگ توسط شاه و بدنبال آن استعفای صدق و انتصاب قوام به نخست‌وزیری بود. اما این ظاهر امر و تیلور شخص یک جریان تاریخی و عمیق اجتماعی بود. در آن زمان که به سرعت آگاهی سیاسی توده‌های خلق بالا می‌رفت، جنبشهای توده‌ای وسیعتر می‌شد، تشکیک‌های توده‌ای بطور روز افزونی افزایش می‌یافت امپریالیسم انگلیس و حامیان مرتجع داخلی او برای جلوگیری از رشد این جریان بسختی تلاش می‌کردند. با رشد آگاهی سیاسی توده‌های وسیع مردم بیشتر و بیشتر نقش ضد ملی و ضد خلقی دربار که در رأس آن شاه قرار داشت عیان می‌گردید و دیگر صدق هم با تجربه اندوزی به نقش مخرب این لانه جاسوسی پی می‌برد.

شاه که کینه و نفرت در نشانه‌های نسبت به جنبش خلق و بسط و توسعه روز افزون آن داشت و همیشه مترصد فرصتی بود تا بدستکاری حامیان امپریالیستی اش صدق را براندازد. در ۲۵ تیرماه با درخواست صدق، شرا را برای استعفای او فراهم آورد.

بجز یک مردم از استعفای صدق یا خیر شدن دست به مقاومت و اعتصاب زدند. از بازار تهران اعتصاب شروع شد و پس از یک روز به اعتصاب عمومی سراسر کشوری تبدیل گردید. در همان روز سرلشکر طلوعی مقدم فرمانده نظامی تهران همچنین رئیس شهرتانی بدربار حاضر شدند و شاه خائن دستور قتل عام مردم را توسط نیروهای نظامی صادر کرد. از روز ۲۷ تیرماه به بعد در سراسر خیابانهای مهم تهران بویژه در نواحی بازار تانک و توپ مستقر ساختند. هرچه دامنه فشار بر مردم زیادتر می‌گردید، بغض و کینه آنها عمق می‌گرفت. اعلامیه قوام که جملهای از آن زبانزد همگان شده است: "گشتیانی را نیابتی ذکر آمد" مردم ما را به یاد قتل عام ۱۷ آذر ۱۳۲۵ آذربایجان انداخت. هنوز مردم خاطره کشتار سیرحمانه‌ی خلق را توسط شاه و قوام فراتی نگرفته بودند. این خود مقاومت و روحیه مبارز جویانه خلق را بالا می‌برد. باید بهر وسیله ای او را سرنگون

بیگاران شهری ملحق گردند. بدین ترتیب سیرت مرکز زمین در دست مالکین نوین و قدیمی شدت می‌یابد، از سوی دیگر این شرایط عینی باعث رشد مقاومت دهقانان گردیده و بطور روز افزونی اقتضای مختلف آنها را به مبارزه اجتماعی می‌کشاند.

در چنین اوضاع رژیم به عینش کوشد چنان جلوه دهد که تضاد طبقاتی در روستاهای ایران موجود نیست، بر اثر "اصلاحات ارضی" دیکریسایط استثمار، ظلم و ستم بر جیده شده و روستاهای ایران به جوامع مآوونی که همه مردم آن دارای منافع مشترکی هستند تبدیل گردیده است، هرکس کسه کوچکترین دشمنی را به روستاهای ایران دارد کاذب بودن این ادعاهای رژیم را فوراً تشخیص میدهد و واقعه‌ی ذکر شد بقیه در صفحه دوم

ساخت چنین بود احساسات مردم در روزهای قبیل از سی ام تیرماه.

بگذرید گوشه‌هایی از صحنه‌های نبرد خلق را از قول گزارشگر آن زمان باز گو کنیم:

اصفهان: شنبه ۲۸ و یکشنبه ۲۹ تیرماه "مقارن سی ام" بود که سوت کارخانه‌ها شروع اعتصاب کارگران را اعلام و متعاقب آن کارگران "محرور ایران" که همیشه در صف مقدم مبارزات در راه طرف عناصر خائن قرار دارند وارد اجتماع مردم شدند. وقتی پلیس و قوای انتظامی خود را با نیروی منظم و اراده منظم مردم روبرو دیدند سخت هراسناک گردید.

... هر جنبشی را با جوب و قنداق تفنگ پاسخ می‌دهند. چون قسمتی از کارگران از آن طرف سی و سه پیل هنوز خود را به صفوف مردم نرسانده بودند قوای انتظامی جلوی پیل را سد نموده مانع این شده که کارگران وارد چهار باغ گردند. آنها عصبانی شده شعارها را ضد قوام می‌دادند. سرانجام که با قنداق تفنگ و سرنیزه به مردم حمله نمودند. مواجه با سنگهای تیز مردم غیور اصفهان گردیدند.

مردم هم گویی قیافه‌ای بس جدی دارند و بر سر وی مانع دوران انتظامی خیره نگاه می‌کنند. در دروازه دولت از در حاکم زیادی است، در میدان نقش جهان جمعیت کثیری گرد هم جمع شده‌اند، میدان مجسمه خلیلی شلوغ است. کارگران، پیشه‌وران از هر طبقه بهم فشرده شده یک شعار دارند: مرگ بر امپریالیسم و عاقلان! حکومت قوام باید سرنگون شود! ما مبارزه خود را با قدرت دنیا نموده به پیروزی خاتمه می‌دهیم!

مقارن ساعت ۱۰ تا ۱۲ شهر تبدیل به میدان جنگی بزرگ شد. دروازه دولت بالا کلام کلانتری مسلسلها کار گذاشته شد. سیل جمعیت از جاگنده و عازم تلگراف خانه هستند، ما بوران انتظامی از عزیمت مردم مانعیت بعمل می‌آورند، دستور آتش صادر می‌گردد.

کرمانشاه: از روزی که دکتر صدق استعفا نمود تنها روز دوشنبه سی ام تیرماه مردم رشید کرمانشاه هماغه‌ی خود را با اهالی سایر شهرستانها حفظ نمودند و با اعتصاب عمومی و تعطیل دکانین و دست کشیدن از کتب و کار خویش نشان دادند که با حکومتهای جابر نیش از این تاب تحمل ندارند و بی‌اختصاصند که دوشادوش مردم مبارز حقوق از دست رفته خود را بگیرند.

قم: امروز دومین روزی است که کسبه دکانهای خود را بسته و بصورت دسته‌های کوچک و بزرگ در صحن حضر معصومه در میدان مقابل صحن در چهار راه نزد یک پیل، در محله ابرق و... جمع و فوق العاده عصبانی نظر می‌رسند. قوای کلنی از تهران قسمت اعظم خیابان بقیه در صفحه پنجم

واقعیت روستای ایران و مسأله ملی کردن آبها

"در این مناطق (کرگان) والا حضرت اشرف !! دارای هشتصد چاه عمیق است که آب آنها به دهقانان میفروشد " عده ای از زارعین زمینشان را که متعلق به خودشان نیستند نمیگذاشتند ، چرا ؟ زیرا اولاً پول هر دفعه آب را نداده اند که نقد بدهند و اگر هم داشتند پول دانه و پندارند داشتند بدین ترتیب مشاهده می کردیم که دولت با تصاحب مالکیت آب ، عملاً کوشش کرده است که بر وابستگی دهقانان به خویش بیفزاید و کنترل اقتصاد کشاورزی را کاملاً در دست داشته و آنها درجهت تامین سرمایه داران و انحصارات خارجی (که در زمینه های کشاورزی سرمایه گذاری می کنند) سرمایه داران بزرگ قنود الهها و خرده مالکین و دهقانان مرفه ، هدایت نماید و با سلب مالکیت آب از اکثریت دهقانان آنان را از هرگونه دخالت در امر کشاورزی محروم سازد منابع آب در درجه اول در اختیار سرمایه داران قرار گیرد جهت ایجاد شرکت های بزرگ کشاورزی و در درجهت بعد جهت سرمایه گذاری و کسب سود در اختیار طبقات حاکم در شهر و روستا قرار می گیرد ضمناً منبع درآمد عظیمی از این طریق برای دولت در ازای ورشکستگی و فقر شدید تر دهقانان بوجود می آید .

اشرف پهلویها و دیگر صاحبان نفوذ در هیات حاکمه بدین ترتیب منفذ دیگری برای مکتد حاصل کار و کوشش شبانه روزی میلیونها دهقان زحمتکش باز کرده اند . مالکین و دهقانان مرفه علاوه بر اینکه با سرمایه گذاری اولیه در استثمار و چپاول دهقانان زحمتکش در زمینه آب شریک خواهند گشت ، بخاطر ورشکستگی اکثریت دهقانان در زمینهای خود و قدرت خویش در روستا خواهند افزود . تعداد کثیری از دهقانان در مقابل اجبار به پرداخت آبها هزینه و مخارجی دیگر را باید تحمل کنند که بر بد حکاری و فقر آنان افزوده و در آخر قدرت کشت و زرع برای اندک زمین خود را از آنان سلب می کند و عده ای کثیری را مجبور به ترک روستا می نماید . زمینهای کوچک آنها از طرف دولت و دهقانان مرفه و مالکین ضبط خواهند گشت و بدین ترتیب جریان رشد مالکیت بزرگ و از یاد دهقانان بی زمین " ملی " کردن آنها تسریع خواهد شد .

استثمار و قحطخانه میلیونها دهقان ایرانی از طریق اخذ آب به علت دیگری است بر رشد تضاد های طبقاتی در روستای ایران زمینه دیگری است که مقاومت و مبارزه دهقانان ایرانی برای آن انجام می گیرد و نمونه های فراوانی از این مبارزات در چند مدت اخیر تحقق پذیرفته است . فقر و فلاکت ، استثمار دهقانان به اشکال گوناگون (بهره کارمزدی ، وام ، آب پهلوا) مجموعه ای از تضاد های گوناگون و شدیدا در روستای ایران پدید آورده است ، تغییرات ناشی از بزنا نه های اقتصادی رژیم در روستای کشاورزی بر شدت این تضادها هر دم می افزاید .

مبارزه دهقانان " ساروق " و " کردکان " گویای جریان رشد یابنده در روستای ایران ، یعنی بسط مقاومتها و مبارزه خود بخودی دهقانانی است ، وظیفه مردم انقلابیون می باشد که با شرکت در زندگی و مبارزه روستائیان زحمتکش این جریان را توسعه بخشیده ، قدم بقدم در سمت تشکیک دادن بدان حرکت کنند . سیر انقلاب در ایران اگر این مسیر را انتخاب ننماید و اگر اکثریت دهقانان را در خود شرکت ندهد و مشکل سازد فرجامی جز شکست ندارد . کونیستها با ایجاد حزب خود ، صفوف مبارزه میلیونها دهقان زحمتکش را تحت رهبری پرولتاریا به پیروزی نهادند و به در هم شکستن نظام کونی که جز بی عدالتی و نابرابری استثمار و فقر و بدبختی و مرگ برای مردم ایران شمره دیگری نداشته ، هدایت خواهند نمود .

(۱) ماده ۳۱ مقررات استفاده از زمینهای زیر سدها بدین قرار است :
" ماده ۱ - زمینهای پائین سدها باید به شرکتهای یا به سرمایه گذاران خارجی یا سرمایه گذارهای مشترک دولت و سرمایه گذارهای خارجی اجازه داده شود .
" ماده ۳ - زمین مورد احتیاج این سرمایه گذاران باید با حق استفاده از آب و برق به آنها واگذار گردد و وسعت این زمینها نباید از هزار هکتار کمتر باشد (به نقل از جزوه انگلیسی " فاکها و تصاویر " وزارت اطلاعات شماره ۲۷)
(۲) ماده ۲۱ قانون " ملی کردن آبها - " وزارت آب و برق در نظر دارد پلیس مسلح آب بکار گمارد تا بدین ترتیب قوانین جدید را بجا آورد و نظرم را بر قرار نماید . (از همانجا) (زیر نویس از ستاره سرخ)

اب در اقتصاد کشاورزی ایران نقش تعیین کننده ای داشته و یکی از عناصر مهم کشت و زرع را تشکیل می دهد در توضیح اهمیت آب تنها کافی است اشاره شود که نقص آن باعث گشته مقدار زیادی از زمینهای قابل کشت ایران بایر بماند و این نشان می دهد که آب بمنزله یك عامل تولید ناچه حد نقش اساسی را در کشاورزی ایران ایفا میکند . در تاریخ تولید کشاورزی مبین ما عموماً آب در تملك خصوصی مالکین زمین و از جمله منابع استثمار و حنیسانه دهقانان ایرانی را تشکیل می داده است بعد از " اصلاحات ارضی " که مالکیت بر زمین در روستای ایران دستخوش تغییراتی گردید ، قاعدتاً تغییر در مالکیت و بهره برداری از آب را بدنبال می آورد . از جمله دهقانانی که از طریق خرید بخشی از نسق ، مقداری از زمین ناچیز زیر کشت را تحت تصاحب خود در آورده بودند ، طبق عرف و سنت در تملك آب نیز شریک می گشتند .

سیاست و برنامه ای مترقی در مورد آب ، در جهت تامین منافع دهقانان تنها بمعنی سلب مالکیت خصوصی آب و توزیع رایگان و عادلانه آن بین دهقانان و کوشش جهت سد بندی کانال کندی و حفر چاه برای توسعه و استفاده از ذخیره های زیرزمینی و جاری می توانست باشد . و لکن سیاست کونی رژیم مبنی بر " ملی کردن آب معنی و مفهوم دیگری داشته و هدف کاملاً متغییر با منافع اکثریت دهقانان را دنبال می کند . مطابق این قانون آبها در تملك دولت درآمده و برای استفاده از آن کشاورزان باید آبها بپردازند . مقدار آب آنها به اندازه ای گران مقرر شده است که بودجه ناچیز اکثریت دهقانان ایرانی که در تامین حد اقل معاش خود ناتوان بوده و وزیر بار قسطهای زمین و وامهای مختلف ضعیفتر شده ، کفاف پرداخت آنها نمی تواند بنماید و با اجبار موجب تعطیل کشت و زرع و افلاس و ورشکستگی کامل آنان می گردد . ایجاد و حفر چاه و قنات و چاههای عمیق یا توسط دولت انجام می گیرد و یا عملاً بعلت مخارج زیاد و احتیاج بداشتن نفوذ در دستگاههای دولتی جهت کسب حق امتیاز ، در اختیار دهقانان مرفه ، خرده مالکین ، مالکین بزرگ و یا سرمایه داران خصوصی قرار گرفته است .

در اینگونه موارد ، افراد مزبور منابع آب را در ازای تامین هزینه و آب آنها ، پرداخت می کنند و کسب سودها کلان ، با قیمت بسیار زیادی بد دهقانان زحمتکش می فروشند این خود زمینه دیگری برای سرمایه گذاری و تولید سود ، از طریق چپاول و استثمار اکثریت دهقانان توسط محافظان مزبور بوجود آورده است .
ماه گزارش خوانندگان خود از روستای ایران مراجعه می کنیم تا گفته های فوق را از طریق مشاهدات عینی آنان بازگو نماییم :
" علاوه بر اینکه اقداماتی برای بهبود وضع آبیاری به نفع دهقانان صورت نگرفته " ملی کردن آبها مستقیماً به ضرر اکثریت دهقانان بوده است ، سدها را که بنیزند آتش به صاحبان شرکتهای کشت و صنعت می رسد و دهقانانی که بخواهند از مزایای آب استفاده کنند باید آب بپردازند (۱) حال از آن چاه و گد اشتن تلمبه در رودخانه هم تحت کنترل دولت درآمده و بابت آن آبها می گیرد ، یک زارع می گفت که برای گرفتن اجاره حفر چاه عمیق باید حدود ۱۰ هزار تومان رشوه و اینچور چیزها پرداخت ، این البته اول کار و فقط برای گرفتن اجازه است . آبها و غیره جای خود دارد ، بعلاوه روشن است که حفر چاه و گد اشتن موتور و تلمبه فقط از عهده دهقانان مرفه بر می آید ، در یک ده پس از ملی شدن آبها گفته اند که باید بابت استفاده از چشمه که از قدیم الایام تنها منبع آب آشنامندی و مصرف روزانه مردم ده بوده است سالانه آبها به پرداخت کنند ، دهقانان هم اجتماع و مخالفت کرده اند " *

" بعد از " ملی شدن آبها برای استفاده از آب باید پول پرداخت (هکاری ۳۰۰ ریال) چند ساله اول ملی شدن آب هیچک از دهقانان اصلاً پول ندانند ، بعد از این دولت شروع به فشار گد اشتن و دهقانان هم مقاومت کردند ، بدین ترتیب که به استفاده از آب بدون دادن پول و بعداً بصورتهای مخفیانه ادامه دادند ، بعداً کار بجای رسید که از نهروها ورود خانه ها بوسیله سرباز و زانده ارم محافظت می شد و بالاخره دهقانان را با زور وادار به پرداخت نمودند . " (۲) *

بقیه مبارزه ای نوید بخش
در بالا نمونه دیگری برای افشای دروغگوئیهای رژیم است . اینکه رژیم دست به اینگونه تبلیغات در اوضاع کونی زده است خود نشانه ی فزونی تضادها در روستاها و حدت یافتن آنهاست . هر زمان که تضاد های طبقاتی و مبارزه طبقاتی در جامعه ای رویه شد شاست طبقات استثمارگر برای جلوگیری از سرنگونی خود علاوه بر شیوه سنتی و دانی سرکوبی توده ها به شیوه " اصلاحات " توسل جسته و چنان وانمود میسازند که حکومت آنها در خدمت توده هاست و مدافع منافع عالی همه مردم میباشد . این شیوه کارمترجمین سابقه تاریخی دارد ، برای نمونه لویی چهاردهم ده سال قبل از انقلاب انگلیز فرانسو ۱۷۸۹ نه تنها اصلاحات اجتماعی تن در داد بلکه همه جا خطبه میخواند " مردم فرانسو را خوانند ، شبیه همین کار را از راه های روس قبل از انقلاب انترنودند ، امادار هیچ جا این تشبیهات استثمارگران حاکم به جایی نرسیده است تضاد های جوامع که بطور عینی موجودند باعث تغییر میگردند و مبارزه طبقاتی چنان توسعه می یابد که منجر به انقلاب اجتماعی گردد ، در فرانسه و روسیه سیر تحولات بدین موال پیش رفت و بساط سلطنت توسط توده ها درهم کوبیده شد در جامعه روستایی ما فزونی تضادها و وحدت یافتن آنها باعث مقاومت دهقانان مستمیده و استثمارزده میشود و این خود نقش محرکه را در تغییر اوضاع بعهده دارد .

در تاریخ مبارزات خلقهای میهن ما از زمان انقلاب مشروطیت جنبش انقلابی بطور مستقیم از طرف دهقانان مرفه و متوسط بود ، حزب کونیست ایران از مبارزات دهقانان دفاع کرد و هشتمین مرکز بر پایه اخذ خود را " انقلاب ارضی " قرار داد . احزاب سیاسی دیگر بعد از آن از آنجمله حزب توده ایران در این مورد دچار اشتباه فاحش گردیدند و به مبارزات دهقانان توجه نکردند و موضعی رفرمیستی در رابطه با حل مسائل دهقانی اتخاذ نمودند و در نتیجه نتوانستند مبارزه ضد امپریالیستی را با مبارزه ضد موزکراتیک دهقانان متحد سازند ، کوششهای فرقه موزکرات آنرا بیجان نیز در این زمینه با اینکه در مراحل اولیه دارای مستگیری صحیح بود اما بعلت عدم پیگیری آن و بالاخره تسخیر آن را بیجان توسط نیروهای مرکزی بی نتیجه ماند .

در ده اخیر بار دیگر جنبش انقلابی ایران مسأله ای دهقانان با انتقاد و طرد رفرمیسم و رویزونیسم حزب توده ایران ، با شناخت عمیقتر از ناتوانی بورژوازی ملی و خرده بورژوازی شهری در حل مسأله دهقانان ، بطور مستقیم جنبه ای مطرح گردیده است . اما هنوز در این زمینه کسار جدی و پیگیری لازم است ، هنوز جنبش انقلابی قادر نشده است پایه هاشم در میان توده های زحمتکش روستایی برای خود بوجود آورد .

در اوضاع کونی در برابر روشنفکران انقلابی وظیفه پیوند با دهقانان قرار دارد . روشنفکران انقلابی باید با موضعگیری صحیح نسبت به جنبش دهقانان ، بیان آنها را درک خود را از اوضاع روستا و تضاد های موجود در آنجا بالا بیاورند و دهقانان نیروی متحد انقلاب در زمین ماستند ، آنها نقش کلیدی در اساسی ترین مسائل مرحله کونی انقلاب بعهده دارند در کشور ما بدین حال صحیح مسأله دهقانان و جلب آنها به انقلاب نمیتواند پیروز گردد . رژیم شاه بهیچوجه قادر نیست مسأله دهقانان را به سود آنان حل نماید . تجارب لولائی دوران حکومتهای رضا شاه و محمد رضا شاه که همیشه صحبت از " اصلاحات ارضی " کرده اند ، شواهد خوبی بر این ادعایند ، در دوران مائتها این طبقه کارگراست که منافعش با منافع دهقانان در این مرحله از انقلاب یکی است و آزادیش در گرو آزادی میلیونها دهقان مستمیده می باشد و در نتیجه می تواند دهقانان را برای راههای ازبوع استثمار و ستم مالکین ارضی و نظام نیمه مستعمره - نیمه قنودال حاکم رهبری نماید .

واقعیه اخیر روستاهای ساروق و کردکان نمونه کوچکی از مبارزه دهقانان و برخورد خصمانه رژیم ایران به دهقانان و مشکلات و مسائل آنهاست ، وظیفه تمام انقلابیون است که آگاهانه فعالیتهای خود را در سمت توسعه و گسترش بخشیدن به مبارزات دهقانان قرار دهند .

خاطره ی شهیدان روستاهای ساروق و کردکان را اگر می داریم ، از روحیه مقاومت حیوانه آنها بیاموزیم و نفرت و انزجار خود را از رژیم دهقان کش بالا ببریم ، مجدانه برای آزادی فوری دهقانان مبارز ساروق و کردکان و بیرون رفتن زانده ارمها از این روستاها مبارزه کنیم و صدای اعتراض خود را نسبت به این اعمال رژیم بلند نماییم .
مرگ بر رژیم دهقان کش ایران !
زند باد مبارزه دهقانان روستاهای ساروق و کردکان !
گرامی باد خاطره و دود دهقان شهید زحمتکش!

(۱) - وزیر کشاورزی در روستای دهقانان در اوایل سال ۱۳۴۲ هنگامیکه ارسنجانی تازه استفاده از آب بود در این مورد چنین گفت : " باید از اقدامات خود سرانسه افراد و تجاوزه این مقررات و اصول مصوب ملی باچنان شدتی جلوگیری شود که دیگر هوس تجاوزه قوانین و مقررات عمومی مملکتی در دماغ هیچ کسی رسوخ نکند ."
(۲) - اخیراً مهندس روحانی وزیر کشاورزی گفت : " در حال حاضر هر خانوار روستایی در ۱/۴ هکتار کشت می کند " البته باید توجه داشت که او این حد متوسط را در رابطه با گل خانوارهای روستایی مطرح می کند نه فقط آنها بلکه در جریان " اصلاحات ارضی " زمین دار شده اند .

به پیش در سمت پیوند با کارگران و دهقانان

از سنن انقلابی حزب کمونیست ایران پیاموزیم



حیدر زعمواغلی (۱۳۰۹-۱۳۰۰ شمسی)
یکی از بنیادگذاران حزب کمونیست ایران و رهبر پرولتاریا و زحمتکشان ایران

در این شرایط مسلحانه کمونیست ایران نمیتواند حزب توده هاگرد و کوشش هم در اینجهت نمیکند. حزب سوسی دارد آگاهانهترین عناصر را از طبقه هفان... بخود جلب کند، آنها را تحت اصول ویرجیم بین الملل کمونیستی سوم متشکل کرده و تربیت نماید. و عوارض آن در شهرهاستند یکاها و در مناطق روستایی انجمنهای زحمتکشان را بوجود میآورد. کمیته مرکزی ما تحت شرایط بسیار مشکل در عرض سال گذشته بعد از کنگره حزب مانده در انزلی در ۲۳ ژوئن ۱۹۲۰ تشکیل شد کوشش عظیمی برای سازماندهی نمود، ما اکنون کمیته ایالتی و تعداد زیادی کمیته های شهرستان که جمعاً دارای ۵۰۰ نفر عضوند، تشکیل داده ایم. سال گذشته تعداد اعضای حزب قدری بیشتر بود ولی به علت خرابکاری یکنگروه ماجراجو فعالیت ترویجی و تبلیغاتی ما در بعضی مناطق متوقف و انتشار "کمونیست" ارگان رسمی کمیته مرکزی منقطع شد. این واقعات ما را مجبور به تجدید احتیاط و اتخاذ شیوه های مخفی به مراتب بیشتر از قبل نمودند. با وجود این ما موفق شدیم ۱۵ هزار کارگرو پیشه ور را در سندها متشکل کنیم.

حزب کمونیست ایران از شرایط نیمه فئودالی که باید در آن فعالیت کند آگاه است، با توجه به اهمیت صرف آراکسی نیروهای طبقاتی در کشور ما، جائیکه امپریالیستهای انگلیسی متحد با اشرافیت زمیندار، تمام فشار مردم را استثمار میکنند حزب در برنامه حداقل خود در درجه اول سرنگون کردن قدرت شاه و مالکین ارضی و رها ساختن ایران از یوغ اقتصادی و سیاسی رهنز انگلیسی را در نظر گرفته است. خواهان استقرار چنان رژیمی هست که امکان رشد و ترویج کمونیستی را به میزان وسیعی فراهم سازد. ما کاملاً مطمئن هستیم که این برای یک کشور عقب مانده ای مثل ایران، تنها وسیله ایست که بتواند برسد انقلاب جهانی کمک کند، انقلابی که امکان رهایی قطعی خلقهای ستمدیده را از استثمار سرمایه داری بین المللی میسر خواهد ساخت.

۱. سلطان زاده ۱۹۲۱
* - این تاریخ کاملاً دقیق نیست، چه در نوشته های مختلف ۲۰-۲۳ ژوئن قید شده است.

هزار هفتاد نیز که تحت استعمار و خودکامگی شد بد مالکین ارضی و حکام شاه رانده میشوند. مجبور به مهاجرت گردیدند و با ملحق شدن به او لیا، با غرق و خون برای کشورهای خارجی ثروت میآفریدند. این چنین است سرنویس تمام کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره.

جنگ (جهانی اول) و انقلاب روس تأخیر و اوضاع را تغییر داد، کمیاب شدن تولیدات مانوفاکتوری ضروری باعث فعالیت مجدد صنایع کوچک محلی گردید، در چندین نقطه در شمال ایران تولید اشیاء مختلف توسط اهالی محلی آغاز شد. حتی در جنوب که انگلیسیها هنوز محصولات صنعتی خود را وارد میکردند، صنایع محلی با موفقیت آغاز شدند و تولید کننده کوچک که در عین حال مالک کوچک هم هست از بودن زیر یوغ اقتصادی خارجی عمیقاً متنفر است تا موقعیکه صنایع بزرگ ملی رشد نسبتاً قابل ملاحظه ای نکرده، تولید محلی و فردی علیه سرمایه داری اروپائی قاطعانه به مخالفت برخواید خاست.

امپریالیستهای انگلیسی در ایران، نه روی بورژوازی تکیه میکنند و نه روی تولید کنندگان خرده قبا، آنها نیروی خود را در میان اشرافیت ثروتمند مالکین زمین که در شرق شاید منسور ترین افشار هستند، مینمایند، ۳ هزار مالک ارضی عملاً مشغول ال زمینهای زراعی کشور ما را در دست دارند. بیش از ده میلیون هکتار تحت یوغ این نوکران منقور بورژوازی انگلیسی رنج میبرند. این بورژوازی همراه با انگلیسهای یوپی که توسط اعلیحضرت شاهنشاه ایران!! حمایت میشوند شدیدا مورد نفرت ستمدیدگان قرار دارند.

به علت عقب ماندگی اقتصادی نیروی کارگری در ایران بسیار ضعیف است. این بخصوص در ایالات شمالی صدق میکند که در آن گاه و بیگاه به کارگاهها و کارخانه های بر خور می کنیم که بیشتر از ۱۰ نفر کارگر ندارند. در جنوب شرایط از این نقطه نظر کمی بهتر است. در موسسات نفتی که در دست تراست انگلیسی - ایران و سایر شرکت های انگلیسی قرار دارند ۲ هزار کارگر در ۱۰ گروه اصلی از جمله در مناطق سلیمانیه (مسجد سلیمان)، شوشتر، محمدره (خرمشهر) وغیره... کار میکنند.

سازمان "امنیت"

سازمانی پوسیده و مختصر

فساد و پوسیدگی رژیم شاه به حدی است که از هرگونه مبارزه سیاسی بیم داشته، ترور و اختناق، سرکوبی و کشتار عیان و بی پرده مخالفین را بعنوان عده ترین شیوه مقابله با مبارزات مردم، انتخاب نموده است.

یکی از دستگاههای مهم اعمال این سیاست، سازمان "امنیت" وی است که به جنایتکارانه ترین و غیر انسانی ترین طریق ممکن عمل میکند، تاریخچه سیاه فعالیت این سازمان، آنگونه از دانش ها و کشتار صدها میهن پرست و انقلابی صدیق و وفادار بدارانهای خلقهای ایران است. در زمره کوششهای این سازمان پیشگیری از رشد مقاومت و مبارزه مردم میهن ما قرار دارد و اینکار را از جنبه نظری بزرگ جلوه دادن نیروی خود در کم و کیف جهت ایجاد محیط رعب و ترس و ایجاد تفرقه و از بین بردن تمایل به تشکل و کار سیاسی انجام میدهد.

این دستگاه سیاست ساواک مبتنی بر بزرگ جلوه دادن خویش در خد مت سیاست ساواک مبتنی بر بزرگ جلوه دادن خویش در میآید. متأسفانه برخی از مبارزین نیز به اشتباه روش هائی در مبارزه با پلیس در پیش میگیرند که در عمل باعث قوی تر شدن این حربه ای سازمان "امنیت" میگردد. از جمله این گونه اشتباهات روش رایج یعنی بر "پلیس یابی" انفراسی و شیوهی مارک زنی است که تبدیل بیکی از شیوه های مهم "مبارزه" با ساواک گشته است و از آنجا که اینگونه "مبارزه" کشف جاسوس بر مبنای عطیات وحدت سیات فردی و فرضیه های غیر منطقی ناشی از تجربه کم استوار میگردد، بد آنجا ختم میشود که در پشت هراشتباه و لغزشی سایه سازمان "امنیت" تصویر شده و تاریکی ای از عدم اعتماد در میان مبارزین بوجود میآید.

عوامل فوق در مجموع باعث میگردد که در میان برخی از مبارزین و بخشی از مردم قدرت ساواک بیش از واقعیت بنظر

بماند و این امر در نتیجه سیاستهای پوسیده و مختصر سازمان "امنیت" است که از هرگونه مبارزه سیاسی بیم داشته، ترور و اختناق، سرکوبی و کشتار عیان و بی پرده مخالفین را بعنوان عده ترین شیوه مقابله با مبارزات مردم، انتخاب نموده است.

یکی از دستگاههای مهم اعمال این سیاست، سازمان "امنیت" وی است که به جنایتکارانه ترین و غیر انسانی ترین طریق ممکن عمل میکند، تاریخچه سیاه فعالیت این سازمان، آنگونه از دانش ها و کشتار صدها میهن پرست و انقلابی صدیق و وفادار بدارانهای خلقهای ایران است. در زمره کوششهای این سازمان پیشگیری از رشد مقاومت و مبارزه مردم میهن ما قرار دارد و اینکار را از جنبه نظری بزرگ جلوه دادن نیروی خود در کم و کیف جهت ایجاد محیط رعب و ترس و ایجاد تفرقه و از بین بردن تمایل به تشکل و کار سیاسی انجام میدهد.

این دستگاه سیاست ساواک مبتنی بر بزرگ جلوه دادن خویش در خد مت سیاست ساواک مبتنی بر بزرگ جلوه دادن خویش در میآید. متأسفانه برخی از مبارزین نیز به اشتباه روش هائی در مبارزه با پلیس در پیش میگیرند که در عمل باعث قوی تر شدن این حربه ای سازمان "امنیت" میگردد. از جمله این گونه اشتباهات روش رایج یعنی بر "پلیس یابی" انفراسی و شیوهی مارک زنی است که تبدیل بیکی از شیوه های مهم "مبارزه" با ساواک گشته است و از آنجا که اینگونه "مبارزه" کشف جاسوس بر مبنای عطیات وحدت سیات فردی و فرضیه های غیر منطقی ناشی از تجربه کم استوار میگردد، بد آنجا ختم میشود که در پشت هراشتباه و لغزشی سایه سازمان "امنیت" تصویر شده و تاریکی ای از عدم اعتماد در میان مبارزین بوجود میآید.

رشد انقلاب ارضی ایران نمود، بطور مشخص نتوانست نیروهای مسلح خود را در انقلاب گیلان حفظ نموده و پایه خود را در میان دهقانان گسترش دهد. در دوره ای فلول انقلاب ایران نیز حزب تاکتیکیهای نامناسبی در مبارزات شهری اتخاذ کرد که شرایط را برای سرکوبی خود توسط رژیم فراهم آورد. از لحاظ عینی فروکش جنبشهای توده ای و انقلابی بعد متناسب قوانین نیروهای انقلاب و ضد انقلاب را باید نام برد.

آموختن از این شکست نیز اهمیت زیادی در درک همه جانبه تاریخ دارد. به جز طبقه کارگر که به علت عقب ماندگی اقتصادی جامعه ما از نظر کمی نیز ضعیف بود. هیچ طبقه ای قادر نبود تا به این حد نقش قاطع، روشن و پیگیری در پیشبرد امر انقلاب ایران ایفا نماید. طبقه کارگر امروز تجربه غنی مبارزات ۷۰ سال اخیر خلقهای میهن ما و نیز تجربه عظیم جنبش کمونیستی جهان را در دست دارد. پیشروان طبقه کارگر با طرد هر چه بیشتر فرقیسم و رویزیونیسم حزب توده ایران، با توجه به ضرورت ایجاد حزب و در نتیجه با توجه به ماهی خنجر لوزوم وحدت تشکلهای مارکسیستی - لنینیستی، تحت پرچم پرافتخار مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسسه دوی حزب سیاسی طبقه کارگر را بوجود خواهند آورد. خلق را قدم بقدم در مبارزه علیه دشمنانش متشکل خواهند ساخت و بساط تشکلی هیئت حاکمه ایران را که مدافعان استعمارگرا داخلی و امپریالیسم جهانی است توسط نیروی توانمندی خلقهای ایران برخواهند چید.

ما بخاطر بزرگداشت پنجاه و دومین سالروز تأسیس حزب کمونیست ایران و آموزش از تجربیات غنی آن، مقاله ای را که توسط سلطان زاده یکی از رهبران برجسته حزب کمونیست ایران نوشته شده از ژولتن کمونیست "نقل میکنیم".

زنده باد پنجاه و دومین سالروز تأسیس حزب کمونیست ایران! پیش روی وحدت اصولی مارکسیست - لنینیستهای ایسران! پیش روی ایجاد حزب کمونیست ایران!

ایران یکی از ثروتمندترین کشورهای شرقی است، ولی رقابت خیانتهکارانه ای که بین انگلستان و روسیه تزاری برپا شد در امره داشت آثار شرایط بیندیهات سخت قرار داد است. سیاست استعماری این دو قدرت ته تنها جلوی رشد صنعت ملی را می گرفت بلکه وارد کردن تولیدات صنعتی ارزان از این کشورها، موسسات کوچک صنعتی داخلی را که در گذشته رشد قابل ملاحظه ای داشته اند نیز یویراتی محکوم میساخت. در نتیجه رقابت نابرابر بین تولیدات مانوفاکتوری و تولیدات صنعتی، ده ها هزار پیشه ور و تولید کننده گان خرده پای کرسنه، محکوم به بیکاری، گداختن و مرگ گردیدند. آنها با قلبی آکنده از رنج میهن خود را ترک کردند و بزرگ آسمان کشورهای دیگر، ترکستان، قفقاز، باکو، آمریکا وغیره پناه بردند که شرایط در آنجا کمتر طاقت فرسایند. در دهها

ژوئن ۱۹۷۲ پنجاه و دو سال از تأسیس حزب کمونیست ایران میگذرد. آموختن از تجرب غنی مبارزات طبقه کارگر و حزب پیش آهنگ آن، حزب کمونیست ایران برای کلیه انقلابیون پرور لتری که در جهت ایجاد حزب سیاسی طبقه کارگر فعالیت میکنند بسیار مهم است، ضرورت این امر به خصوص با توجه باینکه مبارزات طبقه کارگر ایران بعد از شهریور ۱۳۲۰ به علت سیاست اپورتونیستی و رفومیستی رهبری حزب توده بجز راه کشیده میشود عیان تر میگردد. گرچه این رهبری با جادائی کامل از توده ها و در غلطیدن به دام رویزیونیسم به کوب ضد انقلابی در خارج از کشور تیدیل گشته است. حزب کمونیست در جریان یک مبارزه طولانی و بغرنج ایدئولوژیک و سیاسی ۲۰ ساله که در درون جنبش سوسیال د مکرسی ایران انجام گرفت، بلیس اس مارکسیسم - لنینیسم و خصوصیات ملی جامعه ما، با بهره وجود گداشت. حزب کمونیست ایران موفق گردید تجزیه و تحلیل طبقاتی نسبتاً جامعی از وضع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طبقات و مناسبات آنها در کشور ما بنماید، از طریق شرکت فعال در مبارزات توده ای به سازماندهی خلق و متحشد ساختن صفوف آن بپردازد و برانداختن حکومت وابسته به امپریالیسم و فئودالیسم و قدرت سیاسی توسط خلق را بعنوان برنامه حداقل خود جهت رسیدن به سوسیالیسم، در دستور کار خود قرار دهد و مجدانه در این راه - قدم بردارد، حزب موفق گردید در دهها هزار کارگر و صنعتگر را در سندها بیکاهای خود متشکل سازد، دهقانان را در انجمن های دهقانی گرد آورد و حتی در گیلان شوراهای دهقانی ایجاد کند که در تاریخ کشورهای نیمه مستعمره - نیمه فئودالی بعد از انقلاب اکبر روسیه بی نظیر بود. حزب بطور فعالی در انقلاب گیلان شرکت نمود و ارتش کارگران و دهقانان را تحت رهبری خویش بوجود آورد. حزب کمونیست همچنین خط مشی صحیحی را در جریان این انقلاب در رابطه با نیروهای انقلابی دیگر که وابسته به بورژوازی ملی و خرده بورژوازی بودند اتخاذ کرد و به بسط صفوف جنبه متحد ملی کمک فراوانی نمود، حزب این پیشی صحیح را طی مبارزه شدید درونی علیه سیاست "جپ" که در جریان انقلابی انقلاب بروز کرده بود بدست آورد و بعد از شکست انقلاب جنگلی در دوران فروکش آن حزب کمونیست با مبارزه علیه اپورتونیستهای راست در درون و بانکیه به جنبشها و مبارزات توده ای به سازماندهی خلق پرداخت و مبنای تئوریک و خط مشی سیاسی انقلاب دموکراتیک ملی ایران را تحت رهبری طبقه کارگر بطور رخشانی روشن نمود. این بانگات اساسی موفقیتها و دستاوردهای حزب کمونیست ایران بود. ولی با وجود قدرتها و قربانیهای فراوانی که بخاطر تحقق پیروزی انقلاب متحمل میگردد، حزب در سالهای حکومت سنیاه رضا شاهی تلاش می شود. علل این تلاشی را باید در شرایط عینی و ذهنی آن زمان جستجو کرد. از لحاظ ذهنی با وجود تلاشی که برای یافتن قانونمندی راه

توده های وسیع را در پیکار برای دفاع از زندانیان میهن پرست متشکل کنیم